

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱/۲۷

فصل نامه علمی - ترویجی پژوهش‌های مهدوی

سال ششم، شماره ۲۴، بهار ۱۳۹۷

## وعده قطعی خدای متعال به تحقق حکومت مهدوی در زمین (پژوهش تطبیقی در آیه ۵ قصص)

سید محمود طیب حسینی<sup>۱</sup>

سیده لیلا صالحی<sup>۲</sup>

### چکیده

در آیه ۵ سوره قصص از این اراده خدا سخن به میان آورده که مستضعفان را وارث حکومت در زمین و پیشوایان مردم قرار دهد. مفسران فریقین درباره مقصود از مستضعفان و پیشوایان اختلاف نظر دارند. در این مقاله به روش تحلیلی این آیه در سه محور، بررسی و ضمن نگاهی تاریخی به دیدگاه‌های صحابه و تابعان و مفسران اهل تسنن و شیعه و روایات اهل بیت علیهم‌السلام، دیدگاه‌های مفسران به روش تطبیقی ارزیابی شده است. سپس با تکیه بر دیدگاهی که معنای ظاهری قصص قرآن در ارتباط با امت‌های پیشین را تنزیل قرآن، و اغراض قصه‌های قرآن که در ارتباط با امت پیامبر خاتم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم تحقق می‌یابد را تأویل آن‌ها می‌داند، نتیجه گرفته شده که تحقق حکومت بنی اسرائیل بر مصر و فلسطین و زوال حکومت فرعونیان، که در تفاسیر تابعان و اهل تسنن به عنوان تفسیر آیه ۵ قصص بیان شده، تنزیل آیه، و ظهور و پیروزی دین اسلام به دست پیامبر خاتم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و حفظ و گسترش آن به دست امامان معصوم و تحقق کامل آن در سراسر عالم، در حکومت جهانی

۱. دانشیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه قم (نویسنده مسئول) (tayyebhoseini@rihu. ac. ir).

۲. طلبه سطح چهار مرکز آموزش عالی معصومیه علیهم‌السلام قم.

حضرت مهدی علیه السلام که غرض آیه یاد شده است، معنای تأویلی آیه شریفه می‌باشد، و بدین ترتیب دیدگاه مفسران تابعی و مفسران اهل تسنن از یک سو و دیدگاه مفسران شیعه از سوی دیگر به یکدیگر نزدیک شده است.

#### واژگان کلیدی

حکومت مهدوی، وارثان زمین، آیه ۵ قصص، تأویل و تنزیل.

#### مقدمه

یکی از حوزه‌های مطالعات تطبیقی که امروزه در فضای عمدتاً شیعی رواج دارد، مطالعات بین مذهبی یعنی بررسی تطبیقی موضوعات علوم قرآنی و تفسیری میان شیعه و اهل تسنن است. موضوعاتی که عمدتاً میان این دو فرقه مورد اختلاف است و محققان شیعه معمولاً با هدف دفاع از مذهب خود، نه اختلاف افکنی و ایجاد شکاف میان امت اسلام، گاه نیز با هدف تقریب میان مذاهب اسلامی - آن‌جا که اختلافات میان دو فرقه شیعه آشکار و ریشه‌دار است - به آن می‌پردازند.

در بخش تفسیر قرآن، تفسیر آیات بسیاری از قرآن مورد اختلاف شیعه و اهل تسنن است. یکی از آیات مورد بحث و اختلاف آیه ۵ سوره قصص است. در این آیه، در سیاق داستان موسی و بنی اسرائیل با فرعون، سخن از اراده خدا بر پیشوایی و حاکمیت مستضعفان بر زمین سخن به میان آمده است.

﴿وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾

و خواستیم بر کسانی که در آن سرزمین فرو دست شده بودند ممت نهیم و آنان را پیشوایان [مردم] گردانیم، و ایشان را وارث [زمین] کنیم.

در بررسی‌هایی که انجام شد اثری خاص در ارتباط با آیه ۵ سوره قصص یافت نشد، اما برخی مؤلفان در ضمن سایر مباحث به صورت استطرادی به بحث در این آیه نیز پرداخته‌اند. مانند طلعت حسنی در مقاله‌ای با نام نقد و بررسی تفاسیر فریقین از آیات توارث و حاکمیت مؤمنان صالح در زمین از این آیه نیز ضمن بررسی آیات دیگر توارث بحث کرده است.

در مقاله حاضر به صورت اختصاصی و به روش مطالعه تطبیقی آرای مفسران فریقین در تفسیر آیه یاد شده بررسی، و با نقد دیدگاه‌ها، تفسیری روشن از آیه بیان شده است.

آیه از چند محور قابل بحث است:

۱. منظور از استضعاف چیست؟ و مستضعفین چه کسانی اند؟

۲. منظور از ائمه چه کسی است؟

۳. وارثین چه کسانی هستند؟

قبل از بحث در این محورها به معرفی سوره قصص می پردازیم.

### معرفی سوره قصص

سوره قصص بیست و هشتمین سوره در ترتیب مصحف شریف است. در روایات ترتیب نزول، چهل و نهمین سوره قرآن کریم معرفی شده است. نزول آن بعد از سوره نمل و قبل از سوره اسراء، است و به سیاق آیاتش مکی است.

غرض این سوره وعده جمیل به مؤمنان است، مؤمنانی که در مکه قبل از هجرت به مدینه عده اندکی بودند و مشرکین و فراعنه قریش ایشان را ضعیف و ناچیز می شمردند. خدای تعالی در این سوره به ایشان وعده می دهد که به زودی بر آنان منت نهاده و پیشوایان مردم قرارشان می دهد، و آنان را وارث همین فراعنه می کند، و در زمین مکتشان می دهد.

برای این منظور به مؤمنان، این قسمت از داستان موسی و فرعون را خاطرنشان می سازد که موسی در شرایطی به دنیا آمد که فرعون در اوج قدرت بود و بنی اسرائیل را خوار و زیردست کرده بود و پسران شان را می کشت و دختران شان را زنده می گذاشت.

در چنین شرایطی موسی پرورش یافت. تا آن گاه که با معجزاتی آشکار بنی اسرائیل را از ستم فرعون نجات بخشید و فرعون و لشکریانش را غرق کرده بنی اسرائیل را وارث آنان نمود.

و همین سنت را در مسلمانان جاری خواهد کرد، و ایشان را به ملك و عزت و سلطنت خواهد رسانید، و پیامبر ﷺ را دوباره به وطن باز خواهد گردانید. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۱۶، ۶)

### محور اول: معنای استضعاف

۱۴۳

واژه "مستضعف" از ماده «ضعف» به معنای ناتوانی است. (قرشی، ۱۴۱۲: ج ۴، ۱۸۳) چون به باب استفعال برده شده به معنی کسی است که او را به ضعف کشانده اند و در بند و زنجیر کرده اند.

جوهری در صحاح ضعیف شمردن گفته است.

«استضعاف» به معنی ضعیف یافتن نیز معنا شده است. (راغب، ۱۴۱۲: ۵۰۶؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۳، ۱۵۰)

علاوه بر این دو معنا ضعیف شمردن و ضعیف یافتن، به نظر می‌رسد که «استضعاف» به معنی تحمیل ضعف بر دیگران یا در ضعف نگه داشتن آنان نیز باشد. (قرشی، ۱۴۱۲: ج ۴، ۱۸۴)

#### دیدگاه مفسران متقدم در معنای مستضعفین

در رابطه با این که مصداق مستضعفین چه کسانی هستند در تفسیر الدر المنثور ابن ابی شیبیه، ابن منذر، و ابن ابی حاتم، از علی علیه السلام روایت کرده‌اند که فرموده: "مستضعفین فی الارض" عبارتند از: یوسف علیه السلام و فرزندانش. شاید مراد همان بنی اسرائیل باشند و گرنه ظهور آیه در خلاف این معنا روشن است.

و در تفسیر برهان روایتی به نقل از ابن جریر طبری آمده است که همین روایت را علامه مجلسی در بحار الأنوار از کتاب سید حسن بن کبش به نقل از مقتضب بیان می‌کند و می‌نویسد من خود نیز در مقتضب این خبر را منتسب به سلمان فارسی مشاهده کردم. روایت این است که سلمان گفت محضر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله رسیدم همین که چشمش به من افتاد فرمود: خدای متعال هیچ پیامبر یا رسولی را نفرستاد مگر این که برای او دوازده نقیب قرار داد. عرض کردم من این مطلب را در تورات و انجیل نیز دیده‌ام. فرمود: سلمان آیا نقیبان دوازده‌گانه مرا که برای امامت و رهبری بعد از من برگزیده شده‌اند می‌شناسی؟ عرض کردم خدا و پیامبرش بهتر می‌دانند. پیامبر بعد از معرفی اهل بیت علیهم السلام و مناقب ایشان به ذکر نام و اوصاف ایشان می‌پردازد تا به نام مبارک حضرت حجت علیه السلام می‌رسد. سلمان گفت: یا رسول الله دعا کنید آنها را درک کنم. فرمود: سلمان تو آنها را درک خواهی کرد و کسانی که مثل تو باشند و هر کس آن‌ها را دوست بدارد. سلمان گفت خدا را بر این نعمت بسیار سپاس‌گزاری کردم و گفتم: آیا عمر من آن قدر خواهد شد که ایشان را درک کنم؟ فرمود: این آیه را بخوان ﴿إِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولَىٰ بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ وَ كَانَ وَعْدًا مَّفْعُولًا ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ وَأَمْدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَ بَيْنِينَ وَ جَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا﴾ (اسراء: ۵-۶) سلمان گفت: از شوق گریه‌ام شدت گرفت. گفتم: آیا چنین تضمینی می‌فرمائید (که باز مرا برگردانند) فرمود آری قسم به آن خدائی که محمد را به رسالت برانگیخت. آری به خدا قسم،

شیطان و سپاهش و هر کس ایمان واقعی داشته و یا واقعا کافر بوده خواهند آمد و از کفار انتقام گرفته می‌شود. و میراث‌ها بر می‌گردد هرگز خدا به احدی ستم روا نمی‌دارد. ما هستیم تأویل این آیه ﴿وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ...﴾ سلمان گفت: از جای حرکت کردم دیگر باکی نداشتم چه وقت مرگ به سراغم خواهد آمد. (بحرانی، ۱۴۱۶: ج ۴، ۲۵۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۲۵، ۶)

طبری از قتاده نقل کرده که مستضعفین در این آیه که وارث زمین خواهند شد بنی اسرائیل است. (طبری، ۱۴۱۲: ج ۲۰، ۱۹)

طبری در تفسیر این آیه می‌نویسد:

فرعون در زمین برتری طلبید و تکبر ورزید و بنی اسرائیل را چند فرقه قرار داد و یک فرقه را ضعیف قرار داد حال خدا می‌فرماید ما اراده کرده‌ایم که بر آن طایفه‌ای که فرعون آن را استضعاف کرده منت گذارده آن‌ها را پیشوا قرار دهیم. (طبری، ۱۴۱۲: ج ۲۰، ۱۹)

با توجه به تبیینی که در رابطه با معنای ظاهر و باطن آیات خواهد آمد روشن خواهد شد که بین این دیدگاه‌ها تهافتی وجود ندارد. روایت حضرت علی عليه السلام و نظر قتاده و طبری که آیه را بر بنی اسرائیل تطبیق داده‌اند ناظر به ظاهر آیه و روایت سلمان از پیامبر صلى الله عليه وآله که آیه را تطبیق بر حضرت حجت عليه السلام داده‌اند ناظر به باطن آیه است.

#### محور دوم: معنای ائمه

واژه ائمه جمع امام و در لغت به معنای زیر آمده است.

کسی که به او اقتداء می‌شود. (طریحی، ۱۴۱۶: ج ۶، ۹؛ جوهری، ۱۴۱۰: ج ۵، ۱۸۶۵)  
کسی که ریاست یک قومی را دارد. ابن منظور معتقد است امام به فتح الف (جلو و مقدم) با امام به کسر الف (پیشوا) هم ریشه است و هر دو از ریشه "ام، یؤم" به معنای قصد کردن و پیشی گرفتن است. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۱۲، ۲۶)

غالباً به معنای امری که مورد تبعیت باشد؛ چه انسان باشد که کردار و گفتارش مورد تبعیت است و چه کتاب باشد (مانند آئین‌نامه) و چه محق باشد یا مبطل. (راغب، ۱۴۱۲: ۲۴)

طریق و راه. (طریحی، ۱۴۱۶: ج ۶، ۹)

در کتاب *الوجوه والنظائر* برای واژه امام در قرآن پنج معنا بیان شده است: پیشرو، کتاب، لوح محفوظ، تورات، راه روشن. (دامغانی، ۱۳۶۶: ج ۱، ۱۱۸)

### دیدگاه صحابه و تابعین در رابطه با ائمه

در رابطه با معنای ائمه بین صحابه و تابعین چهار قول وجود دارد. ابن عباس: پیشوایانی که در امور خیر به آنها اقتدا می‌شود. (زمخشری، ۱۴۰۷: ج ۳، ۳۹۳) مجاهد: دعوت‌کنندگان به خیر و خوبی. (زمخشری، ۱۴۰۷: ج ۳، ۳۹۳) قتاده: سرپرستان و والیان امور. (طبری، ۱۴۱۲: ج ۲۰، ۱۹) ضحاک: مصداق ائمه را انبیاء قرار داده است. (اندلسی، ۱۴۲۰: ج ۸، ۲۸۶) طبری از میان این معانی نظر قتاده را ترجیح داده و مقصود از ائمه را والیان و پادشاهان دانسته است. (طبری، ۱۴۱۲: ج ۲۰، ۱۹)، ابن عطیه نیز همین ترجیح طبری را برگزیده است. (ابن عطیه، ۱۴۲۲: ج ۴، ۲۷۶) زمخشری و به تبع وی بیضاوی نیز گویا دیدگاه مجاهد را ترجیح داده‌اند که آن را به معنای کسانی که در دین و دنیا مقدم هستند تفسیر کرده‌اند. (زمخشری، ۱۴۰۷: ج ۳، ۳۹۳) (بیضاوی، ۱۴۱۸: ج ۴، ۱۷۲) و بالاخره ابوحنیفان دیدگاه ابن عباس را برگزیده که آن را به معنای کسانی که در دین و دنیا به آنها اقتدا می‌شود تفسیر کرده است. (اندلسی، ۱۴۲۰: ج ۸، ۲۸۶). نتیجه آن که مفسران متأخر و معاصر هر یک، یکی از دیدگاه‌های مفسران متقدم را در تفسیر آیه برگزیده و یا ترجیح داده‌اند.

در رابطه با معنای امام بنا بر آن چه که در خصوص معانی لغوی امام و دیدگاه صحابه و تابعین و مفسران اهل تسنن گذشت می‌توان گفت در معانی لغوی (به جز معنای چهارم) که بی‌ارتباط باهم نیستند، مفاد لغوی واژه مطلق است و شامل هر فردی می‌شود که نسبت به عده‌ای مقدم، مقتدا و سرپرست است چه او مستحق چنین تقدم و رهبری باشد یا نباشد. بنابراین معنای لغوی امام، پیشوا، رهبر و مقتدا در فعل و قول است. در قرآن نیز غالباً در معنای لغوی آن به کار رفته است. معنای ای را هم که صحابه و تابعین و سایر مفسران اهل سنت بیان کردند ناظر به همین معنای لغوی بود. مفسران شیعه هم در این معنا نظر متفاوتی ندارند. فقط در بیان مصداق، ایشان مصداق امام را اهل بیت علیهم‌السلام می‌دانند. ضحاک هم که مصداق ائمه علیهم‌السلام را انبیاء دانسته از این جهت است که پیامبران مقتدای امت هستند و باید از فعل و قول آنان پیروی شود.

### محور سوم: معنای وراثت

وارثین جمع «وارث» در لغت به معنای باقی، ارث بر، جانشین، و قائم مقام است. وارث

فقط ارث بر مالی نیست بر توارث امور معنوی نیز اطلاق می‌شود. هم‌چنان‌که این معنا در روایتی از امام صادق علیه السلام بیان شده است. «إِنَّ الْعُلَمَاءَ وَرَثَةُ الْأَنْبِيَاءِ إِنَّ الْأَنْبِيَاءَ لَمْ يُورَثُوا دِينَارًا وَلَا دِرْهَمًا وَلَا كَيْنٌ وَرَثُوا الْعِلْمَ فَمَنْ أَخَذَ مِنْهُ أَخَذَ بِحِطِّ وَافِرٍ». (صدوق، ۱۴۰۰: ۶۰) هم‌چنین راغب در مفردات ذیل آیه «يَرِثُنِي وَ يَرِثُ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ» (مریم: ۶) می‌نویسد: «یعنی وراثت التَّبَوُّه و العلم، و الفضيله دون المال». (راغب، ۱۴۱۲: ۸۶۳)

### دیدگاه مفسران در معنای وارثین

کهن‌ترین و تنها اظهار نظر در باره معنای وارثین از مفسران صحابه و تابعین از قتاده است. از وی نقل شده که «وارثین» به معنای کسانی است که بعد از فرعون و قومش سرزمین مصر را به ارث بردند. (طبری، ۱۴۱۲: ج ۲۰، ۱۹) ابن عطیه و به تبع وی ابوحنبلان نیز به نقل از قتاده به کسانی که وارث حکومت سرزمین مصر و شام شدند تفسیر کرده‌اند. (ابن عطیه، ۱۴۲۲: ج ۴، ۲۷۶) (اندلسی، ۱۴۲۰: ج ۸، ۲۸۶)

طبری در رابطه با نجلهم الوارثین این‌گونه می‌گوید: مقصود این است که خدای متعال می‌فرماید ما آن طایفه مستضعف شده را وارث آل فرعون قرار می‌دهیم، که سرزمین آن‌ها را که هلاک‌شان کردیم به ارث می‌برند. (طبری، ۱۴۱۲: ج ۲۰، ۱۹؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ج ۳، ۳۹۳)

بیضاوی: به معنای وارث آن‌چه که در ملک فرعون و قومش بود. (بیضاوی، ۱۴۱۸: ج ۴، ۱۷۲)

بنابراین در تفاسیر اهل سنت درباره مقصود از وراثت زمین بیش از یک تفسیر ارائه نشده و آن همان معنایی است که از قتاده نقل شده که بنی‌اسرائیل وارث ملک فرعون و دارایی‌های وی از قبیل فرمانروایی بر سرزمین مصر و شام و غیر آن است. یعنی در واقع مصداق وارثین را بنی‌اسرائیل قرار داده‌اند. البته با توجه به این که فرمود ما وارث قرار می‌دهیم، منظور مؤمنان بنی‌اسرائیل‌اند. زیرا کافر وارث خدا نیست. «أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» اما آن‌چه که قابل یادآوری است توجه به این نکته است که این تفسیر مفسران اهل سنت گرچه صحیح است لکن نباید از این تفسیر استفاده انحصار کرد.

### دیدگاه اهل بیت علیهم السلام در تفسیر آیه

در تفسیر آیه شریفه روایاتی نیز از اهل بیت علیهم السلام نقل شده است. این روایات عبارتند از:

صدوق در معانی الاخبار به سند خود از محمد بن سنان، از مفضل بن عمر، روایت کرده که گفت:

از امام صادق علیه السلام شنیدم، می‌فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله نگاهی به علی و حسن و حسین علیهم السلام کرد و گریست و فرمود: بعد از من شما را ضعیف می‌گردانند، مفضل می‌گوید از امام سؤال کردم معنای این کلام رسول خدا صلی الله علیه و آله چیست؟ فرمود: معنایش این است که: بعد از من شما امامید، چون خدای عزوجل می‌فرماید: ﴿وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا...﴾ پس این آیه تا روز قیامت درباره ما جریان دارد و این پیشوایی تا روز قیامت در ما جاری است. (صدوق، ۱۴۰۳، ج ۱، ص: ۷۹)

حضرت علی علیه السلام می‌فرمایند:

دنیا پس از سرکشی به ما روی می‌کند، چونان شتر ماده بدخو که به بچه خود مهربان گردد. سپس این آیه را تلاوت فرمود: ﴿وَتُرِيدُ...﴾ (نهج البلاغه، ۱۳۷۹: ج ۲، ۲۰۹، ۶۷۲)

در کتاب الغیبه به سند خود از علی علیه السلام روایت کرده که حضرت فرمود:

این گروه آل محمد صلی الله علیه و آله هستند، خدا مهدی آن‌ها را بعد از زحمت و فشاری که بر آنان وارد می‌شود بر می‌انگیزد و به آن‌ها عزت می‌دهد و دشمنان‌شان را ذلیل و خوار می‌کند. (طوسی، ۱۴۱۱: ۱۱۳؛ حویزی، ۱۴۱۵: ج ۴، ۱۱۰)

ثویر بن ابی فاخته گفت:

زین العابدین علیه السلام به من فرمود قرآن می‌خوانی عرض کردم: آری! فرمود بخوان طسم سوره موسی و فرعون را- من چهار آیه از اول سوره را خواندم تا رسیدم به این آیه: ﴿وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ...﴾ فرمود کافی است. سوگند به کسی که محمد صلی الله علیه و آله را به حق بشارت دهنده و بیم‌دهنده قرار داد که نیکان از ما اهل بیت علیهم السلام و پیروان آن‌ها به منزله موسی و پیروان او هستند. (فرات، ۱۴۱۰: ۳۱۴)

همچنین در حدیثی دیگر در همین تفسیر از علی علیه السلام بیان شده که حضرت فرمودند: این آیه درباره ما نازل شده. (فرات، ۱۴۱۰: ۳۱۴)

ابان بن عثمان از ابی صباح کنانی روایت کرده که گفت:

امام باقر علیه السلام به فرزندش جعفر نگاه کرده فرمود: این (پسر) را می‌بینی؟ این از کسانی است که خدای عزوجل درباره‌شان فرموده: ﴿وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا...﴾. (مفید، ۱۴۱۳: ج ۲، ۱۸۱)

در کتاب الغیبه در روایتی طولانی به سند خود از حکیمه خاتون عمه حضرت عسکری علیه السلام



روایت کرده که فرمود:

در شب نیمه شعبان حضرت حجت علیه السلام هنگام تولد این آیه را تلاوت نمود: ﴿وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ﴾ آن گاه بر پیامبر صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام و سایر ائمه علیهم السلام تا پدر بزرگوارش یکی پس از دیگری صلوات فرستاد. بعد امام حسن عسکری علیه السلام طفل را به من داده و فرمودند: عمه جان! او را به مادرش برسان تا این که محزون و ناراحت نشود و بداند که وعده خدای متعال حق است، لکن اکثر مردم نمی دانند. (طوسی، ۱۴۱۱: ۱۴۱ و ۱۴۲؛ بحرانی، ۱۴۱۶: ج ۴، ۲۵۰)

امام باقر علیه السلام می فرمایند:

آیه ﴿وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ﴾ مخصوص حضرت حجت علیه السلام است که در آخرالزمان ظاهر شده و کفار و ستمکاران را که مانند فرعون و هامان هستند هلاک و به قتل رسانیده و از بین می برند و بر شرق و غرب جهان تسلط یافته و پس از آن که جور و ظلم عالم را پر کرده باشد عدالت مطلقه را اجرا می کند. (بحرانی، ۱۴۱۶: ج ۴، ۲۵۴)

از عالمان اهل سنت نیز حسکانی در تفسیر خود ذیل این آیه علاوه بر بیان حدیث ۵۲ و ۵۱ حدیث دیگری هم به همین مضامین بیان می کند. (حسکانی، ۱۴۱۱: ج ۱، ۵۶۰)

آن چه از مجموع روایات اهل بیت علیهم السلام به دست می آید این است که آن بزرگواران از مفاد آیه یک معنای کلی برداشت کرده و با توجه به موقعیت و فضایی مانند آن چه در زمان نزول حاکم بود آیه را تلاوت کردند و معنای آن را تطبیق دادند. مثلاً حضرت علی علیه السلام بعد از اتفاقات رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله می فرمایند: دنیا پس از سرکشی به ما روی می کند، چونان شتر ماده بدخو که به بچه خود مهربان گردد. سپس این آیه را تلاوت فرمودند. یا در روایتی ابن حمید از حضرت صادق علیه السلام نقل می کند که منهل بن عمر بعد از وقایع سال ۶۰ هجری (واقعه عاشوراء) خدمت زین العابدین علیه السلام رسید و عرض کرد آقا! حال شما چطور است. فرمود: وای بر تو نمی دانی حال ما چطور است. ما در میان ملتی هستیم مانند بنی اسرائیل در میان فرعونیان که فرزندان آن ها را می کشتند و زنان را زنده نگه می داشتند. یا در جای دیگر وقتی صحابی ایشان این آیه را تلاوت می کنند می فرمایند: نیکان از ما اهل بیت و پیروان آن ها به منزله موسی و پیروان او هستند. همچنین تطبیق آیه بر زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام نیز به همین ترتیب است و همین معنا در روایاتی که بیان شد آمده بود که وعده خدا حق است، لکن اکثر مردم نمی دانند.

#### دیدگاه مفسران شیعه در تفسیر آیه

دیدگاه مفسران شیعه را باید در سه بخش گزارش کرد:

برخی مفسران شیعه ضمن پذیرش معنای آیه در رابطه با بنی اسرائیل، به اعتضاد روایات وارده از پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم السلام، آیه را در مورد اهل بیت علیهم السلام نیز صادق می‌دانند.

قمی در تفسیر خود می‌نویسد:

خدای متعال این آیه را که جریان سختی‌های وارد شده بر حضرت موسی و قومش هست را به عنوان یک تعزیت و تسلی بر پیامبر ﷺ در آن چه که امتش نسبت به اهل بیتش انجام می‌دهند آورده است. سپس بعد از تعزیت به پیامبر بشارت داده است که بعد از این، اهل بیت او را برتری داده و آن‌ها را جانشینان در زمین و پیشوایان امتش قرار می‌دهد. آن‌ها را به دنیا برمی‌گرداند تا حق‌شان را از دشمنان‌شان بگیرند (قمی، ۱۴۲۸: ج ۲، ۱۳۳).

شیخ طوسی هم بعد از بیان قول قتاده نقل می‌کند:

از اصحاب امامیه است که این آیه در شأن حضرت مهدی ﷺ نازل شده است و خدای متعال بعد از استضعاف بر او منت گذاشته او را امام و وارث آن چه که از ملک و اموال در تحت تصرف ظالمان بوده قرار می‌دهد. (طوسی، ج ۸، ۱۲۹)

طبرسی نیز بعد از بیان قول ابن عباس و قتاده که گذشت از حضرت علی و زین العابدین و امام باقر علیهم السلام نقل کرده است:

داستان ما داستان بنی اسرائیل و فرعونیان است و ما مشمول این آیه هستیم. (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۷، ۳۷۵)

لاهیجی نیز می‌نویسد:

اگر چه ظاهر آیه در شأن بنی اسرائیل است اما باطن و تأویل آن در حق ائمه علیهم السلام است که اعداء دین بعد از پیامبر وزرای او را به قتل رسانیدند. و هر کدام از وزرا وارث ما قبل و امام اهل عالم بودند و در حین قیام قیامت خدای متعال قائم آل محمد ﷺ را بر ایشان مسلط خواهد ساخت و جمیع روی زمین را از شرق تا غرب به تصرف او خواهد درآورد تا آن که در دنیا به غیر از شیعیان ایشان احدی نماند. (شریف لاهیجی، ۱۳۷۳: ج ۳، ۴۵۳)

برخی دیگر از مفسران شیعه از آیه معنا و مفاد کلی استخراج نموده‌اند.

علامه طباطبایی در تفسیر خود می‌نویسد:

غرض این سوره وعده جمیل به مؤمنان است، مؤمنانی که در مکه قبل از هجرت به مدینه عده اندکی بودند و مشرکان و فراعنه قریش ایشان را ضعیف می‌شمردند، خدای متعال به ایشان وعده می‌دهد که به زودی بر آنان منت نهاده و پیشوایان مردم قرارشان می‌دهد، و آنان را وارث همین فراعنه می‌کند، و در زمین مکتت‌شان می‌دهد. به همین

منظور برای این مؤمنان این قسمت از داستان موسی و فرعون را خاطرنشان می‌سازد که موسی را در شرایطی خلق کرد که فرعون در اوج قدرت بود و بنی اسرائیل را خوار و زیر دست کرده بود که پسر بچه‌های‌شان را می‌کشت و دختران‌شان را زنده می‌گذاشت، خدا در چنین شرایطی موسی را آفرید و او را در دامن دشمنش یعنی فرعون پرورش داد، تا وقتی که به حد رشد رسید، او را از شر فرعون نجات داد. پس از مدتی به عنوان رسالت دوباره به سوی ایشان برگردانید، با معجزاتی آشکار تا آن‌که فرعون و لشکریان‌ش را غرق کرده و بنی اسرائیل را وارث آنان نمود. همین سنت را در میان مؤمنان به اسلام جاری خواهد کرد، و ایشان را به ملك و عزت و سلطنت خواهد رسانید، و پیامبر ﷺ را دوباره به وطن باز خواهد گردانید. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۱۶، ۶)

علامه در رابطه با روایات وارده ذیل آیه می‌نویسد:

این‌که آیه درباره ائمه اهل بیت علیهم‌السلام است، روایات بسیاری از طریق شیعه رسیده است، و از این روایت برمی‌آید که همه روایات این باب از قبیل جری و تطبیق کلی بر مصداق است. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۱۶، ۱۴)

گنابادی در تفسیر خود می‌نویسد:

﴿و نُرِيدُ﴾ مناسب چنین بود که بگوید: "و آردنا" به صورت ماضی، لیکن به مضارع عدول نمود تا اشاره به استمرار این اراده در گذشته و آینده باشد و اشاره به جهت تأویل. زیرا که فرعون علو نموده و خدا می‌خواهد بر موسی و قومش منت گذارد و نیز اشاره به دلداری پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم باشد، زیرا بعد از آن‌که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم اطلاع پیدا کرد چه حوادثی برای اهل بیتش رخ خواهد داد اندوهناک گشت. پس خدای تعالی فرمود: ﴿أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُّوْا...﴾ ما همواره می‌خواهیم بر مستضعفین منت گذاریم، پس اندوهناک مباش که استضعاف اهل بیت تو سبب منت گذاشتن ما بر آنان است. ﴿و نَجْعَلُهُمْ أُتَمَّةً﴾ آنان را امامان و پیشوایانی قرار می‌دهیم که مورد اقتدا قرار می‌گیرند. ﴿و نَجْعَلُهُمُ الْوَارِثِينَ﴾ آنان را وارثان زمین قرار می‌دهیم به سبب ظهور قائم علیه‌السلام و با خلاص کردن زمین از دست فرعون و قومش، آنان را وارث عالم قرار می‌دهیم. (گنابادی، ۱۴۰۸: ج ۳، ۱۸۳)

آیت‌الله جوادی آملی می‌نویسد:

فضای مکه در زمان نزول این سوره يك فضای خفقان و اختناق بود. سران کفر با دعوت و دعوای پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم مخالف بودند. گروه اندکی به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم ایمان آورده و تحت فشار و ظلم مشرکان قریش بودند. در چنین فضایی خدای متعال هم برهان بر سنت خود اقامه کرد که دأب الهی چیست و هم قصه موسی علیه‌السلام را در بخش خفقان مصر ذکر کرد که سرانجام فرعون مصر به هلاکت رسید و بنی اسرائیل مستضعف دوباره وارث زمین شدند و

در مصر حکومت کردند. این بخش را خدای متعال برای تأیید مسلمان‌های صدر اسلام در مکه نازل کرد.

اراده خدای متعال در گذشته و حال و آینده بر اساس همین جریان حق مستقر است. این اراده الهی تکوینی است و بیان سنت است. تشریحی و مربوط به گذشته و زمان بردار نیست. زیرا فعل خدای متعال زمان بردار نیست. شیخ طوسی هم که در تبیان نقل می‌کند گروهی این آیه را درباره ظهور ولی عصر علیه السلام تطبیق کردند. این بیان مصداق کامل است. و مخصوص زمان حضرت نیست. بلکه از زمان انبیای گذشته بوده در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله نیز بود و ظهور کاملش مربوط به حضرت حجت علیه السلام است.

زیرا در بیان سنت الهی قضایای تاریخی و شخصی سهمی ندارد. بنابراین از جریان فرعون و هامان و موسی و هارون علیهم السلام به عنوان اصل کلی یاد می‌کند. و به صورت فعل مضارع، شش بار ضمیر متکلم مع‌الغیر را ذکر می‌کند تا معلوم بشود این سنت، سنت الهی است. گذشته، حال و آینده را در بر می‌گیرد و عظمت و جلال و شکوه ربوبیت و در کار بودن مدبّرات امر را تفهیم کرده، بفهماند حال و گذشته و آینده یکی است. (جوادی آملی، ۱۳۹۱: جلسه ۳ و ۲ و ۱)

آیت‌الله مکارم در تفسیر نمونه می‌نویسد:

این آیات هرگز سخن از یک برنامه موضعی و خصوصی مربوط به بنی‌اسرائیل نمی‌گوید، بلکه بیانگر یک قانون کلی برای همه اعصار و اقوام است. می‌گوید: "ما اراده داریم بر مستضعفان منت بگذاریم آن‌ها را پیشوایان و وارثان حکومت روی زمین قرار دهیم." این بشارتی است در زمینه پیروزی حق بر باطل و ایمان بر کفر و بشارتی برای همه انسان‌های آزاده و خواهان حکومت عدل و برچیده شدن بساط ظلم. نمونه‌ای از تحقق این مشیت الهی، حکومت بنی‌اسرائیل و زوال حکومت فرعونیان بود و نمونه کامل‌ترش حکومت پیامبر صلی الله علیه و آله و یارانش بعد از ظهور اسلام بود، حکومت تهی‌دستان با ایمان و مظلومان پاکدل که پیوسته از سوی فراعنه زمان خود مورد تحقیر و تحت فشار و ظلم قرار داشتند. سرانجام خدا به دست همین گروه دروازه قصرهای کسرها و قیصرها را گشود و آن‌ها را از تخت قدرت به زیر آورد و بینی مستکبران را به خاک مالید. و نمونه گسترده‌تر "آن ظهور حکومت حق و عدالت در تمام زمین به وسیله "مهدی علیه السلام" است. این آیات از جمله آیاتی است که به روشنی بشارت ظهور چنین حکومتی را می‌دهد، لذا در روایات می‌خوانیم ائمه اهل بیت علیهم السلام در تفسیر این آیه اشاره به این ظهور بزرگ کرده‌اند. (مکارم، ۱۳۷۴: ج ۱۶، ۱۷)

برخی دیگر از مفسران شیعه آیه را درباره بنی‌اسرائیل مجاز و درباره حضرت حجت علیه السلام حقیقت می‌دانند.

## ابوالفتوح رازی:

اصحاب ما روایت کردند آیه در شأن مهدی علیه السلام است که خدا او و اصحاب او را پس از آن که ضعیف و مستضعف شده‌اند برایشان منت نهد و امام و وارث کند. این قول از آن جا که موافق ظاهر است از چند وجه اولی تر است. ۱. ارض به «لام» تعریف جنس بر عموم حمل کردن اولی تر است؛ ۲. لفظ امام در حق او حقیقت، و در حق بنی اسرائیل مجاز؛ ۳. وارث به او، لایق تر است. زیرا او باز پسین ائمه و وارث همه گذشتگان و دولت او نزدیک به قیامت است، مانند ﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾ (رازی، ۱۴۰۸، ج ۱۵، ۹۵).

### نجفی خمینی در تفسیر آسان می نویسد:

هدف این آیات يك سنت و قانون کلی است و یکی از مصداق‌های بارز آن داستان موسی و فرعون است. زیرا کلمات «نُرِيدُ، نَمْنُ، نجعل، نُمَكِّنُ و نُرِي» مضارع هستند و برای آینده به کار می‌روند. در صورتی که اگر هدف این آیات فقط این بود که از گذشته خبر دهند کلمات فوق به صورت و صیغه ماضی به کار می‌رفتند. نظیر «اردنا، مننا، جعلنا، مکننا و ارینا» از سوی دیگر چون به شهادت تاریخ، مضمون و معنی آیه ۶۵ این سوره از زمان نزول تاکنون واقع نشده است. پس شکی نیست که در زمان آینده واقع خواهد شد. اما آن زمان آینده‌ای که احدی جز خدا از آن آگاه نیست. و اگر مضمون این دو آیه را با مضمون دیگر آیاتی از قرآن که درباره حضرت قائم علیه السلام وارد شده‌اند ضمیمه کنیم به این نتیجه می‌رسیم که معنی و مشخصات این حکومتی که این دو آیه می‌گویند همان حکومت جهانی مهدی موعود علیه السلام است.

### سپس در ادامه بحث می نویسد:

اصحاب ما روایت کرده‌اند که این آیه در شأن حضرت مهدی علیه السلام نازل شده است و این قول چون با ظاهر آیه مورد بحث سازش بیشتری دارد از چند جهت در اولویت قرار دارد و در ادامه ادله ابوالفتوح رازی را ذکر می‌کند. (نجفی خمینی، ۱۳۹۸، ج ۱۵، ۱۳۴)

### آقای بروجردی در تفسیر جامع می نویسد:

بعضی از مفسرین عامه نزول آیه را درباره موسی علیه السلام و فرعون و بنی اسرائیل دانسته‌اند و گفته‌اند پس از هلاکت فرعونیان خدا بنی اسرائیل را وارث ملک آن‌ها قرار داد. این نظر به چند دلیل مخالف نص و ظاهر آیه است. ایشان نیز همان ادله ابوالفتوح رازی را ذکر می‌کند. (بروجردی، ۱۳۶۶، ج ۵، ۱۵۱)

با توجه به آن چه گذشت مفسران شیعه بر اساس روایت‌هایی که از اهل بیت علیهم السلام بیان شده به تفسیر این آیه پرداختند. گرچه بعضی از ادله آن‌ها مورد نقد است و در نقد دیدگاه‌ها بررسی

خواهد شد ولی بعضی از این ادله و تفسیری که ارائه شد صحیح بود. اما درباره این که معنای بیان شده معنای ظاهری آیه است یا باطنی، اظهار نظر نکردند به جز لاهیجی و علامه طباطبایی که در بخش روایی تفسیر خود در رابطه با روایات وارده روایات را از قبیل جری و تطبیق کلی بر مصداق دانسته است. از این رو در ادامه این دیدگاه‌ها مورد بررسی قرار خواهد گرفت. اما با توجه به تأثیر معنای ظاهر و تنزیل و معنای باطن در دیدگاه منتخب پیش از بیان نقد دیدگاه مفسران به بررسی معنای ظاهر و باطن پرداخته می‌شود.

### معنای ظاهر و باطن

یکی از مسائل مهم درباره قرآن که اختلاف و تردیدی در آن نیست و روایات متواتر در کتب روایی و تفسیری شیعه و سنی بر آن دلالت دارد برخورداری قرآن از معنای ظاهر و باطن است. در روایات، ظاهر و باطن قرآن چند گونه تعریف شده است. از این رو دیدگاه‌های مفسران، دانشمندان علوم قرآنی در رابطه با مقصود از ظاهر و باطن قرآن مختلف است.<sup>۱</sup> یکی از این تعاریف از ابو عبیده معمر بن مثنی (۲۱۰د ق) است. شیخ طوسی به نقل از وی در تعریف تنزیل و تأویل، که همان ظاهر و باطن است می‌نویسد:

آیاتی که در مورد قصه‌های انبیاء نازل شده، یک مدلول اولی دارد و یک غرض. مدلول این آیات تنزیل آن‌ها، و اغراض این قصه‌ها تأویل آن است. (طوسی، بی‌تا: ج ۱، ۹)

بی‌گمان این تعریف از تنزیل و تأویل در مورد قصه‌های قرآن قابل پذیرش است و بخشی از معنای عام تأویل را در بر می‌گیرد (ر.ک: طیب حسینی، همان‌جا) در مقاله حاضر بر اساس همین تعریف از تنزیل و ظاهر قرآن به تحلیل معنای آیه یاد شده که در ضمن قصه موسی علیه السلام و فرعون آمده است می‌پردازیم. در نتیجه مفاد ظاهری آیه شریفه که در ارتباط با بنی اسرائیل است را ظاهر و تنزیل آیه، و غرض آیه شریفه را که بی‌شک در مورد امت پیامبر خاتم است، تأویل و باطن آیه شریفه تلقی می‌کنیم.

### نقد دیدگاه مفسران

مفسران تابعی و مفسران اهل سنت که بر اساس دیدگاه تابعین آیه را تفسیر کرده‌اند، آیه را درباره فرعون و موسی علیه السلام و بنی اسرائیل دانسته‌اند. در مقابل مفسران شیعه سه بیان در این

۱. برای آگاهی از بخشی از این تعاریف رک: طیب حسینی، ۱۳۹۵، ص ۷۰ به بعد.

مورد داشتند. بعضی از مفسران شیعه بیان فرمودند آیه درباره بنی اسرائیل مجاز و درباره حضرت حجت علیه السلام حقیقت است. و استدلال شان مبتنی بر این است که الف و لام، الارض ال جنس و مراد از کلمه امام معنای اصطلاحی بین شیعه است. و وارث به حضرت حجت علیه السلام لایق تر است. آن چه در پاسخ این استدلال می توان بیان کرد این است که ظاهر متفاهم عرفی از الارض، عهد بودن الف و لام است و این که الف و لام جنس است دلیلی جود ندارد. اما این که مقصود از کلمه امام معنای اصطلاحی بین شیعه است در بررسی کلمه ائمه بیان شد استعمال کلمه امام در قرآن، به معنای لغوی (پیشوا، رهبر و مقتدی در فعل و قول) است. و در تمامی موارد اطلاقش به نحو حقیقی است. و این که وارث به حضرت حجت علیه السلام لایق تر است این دلیل صرف استحسان است و دلیل بر انحصار معنای آیه نیست.

بعضی ضمن پذیرش معنای آیه درباره بنی اسرائیل به اعتضاد روایات وارده از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت، آیه را در مورد اهل بیت علیهم السلام نیز صادق می دانند. برای روشن شدن این تفسیر و تفاسیر دیگر باید به آن چه که در خصوص معنای ظاهر و باطن قرآن بیان شد دقت شود. نخستین معنایی که مخاطبان رسول صلی الله علیه و آله و سلم با استماع آیات وحی در فضایی خاص از آن حضرت در ذهن شان نقش می بست، بی تردید معنای ظاهر و تنزیلی بود و هر معنایی غیر از آن و در خارج از فضای اولیه نزول و فراتر از آن از آیات قرآن برداشت شود که متفاوت با آن معنای تنزیل باشد - و لو این معنای متفاوت در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و توسط آن حضرت برداشت شود - تأویل و معنای باطنی است. از این رو با توجه به این که فضای مکه در زمان نزول این سوره يك فضای خفقان و اختناق، و تعداد ایمان آورندگان به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم کم و تحت فشار و ظلم مشرکان قریش بودند. خدای متعال در چنین وضعی نمونه ای از تحقق مشیت الهی، که حکومت بنی اسرائیل و زوال حکومت فرعونیان بود را برای پیامبر و مؤمنان آن روز به تصویر می کشد. و به این صورت به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تسلاهی خاطر و آرامش می دهد و آن حضرت و گروه اندک مومنان را بر دین شان ثابت قدم می کند. از این رو به آن ها بشارت داده آن ها را پیشوایان و وارثان حکومت روی زمین قرار می دهد.

۱۵۵ اما با توجه به این که قرآن کتاب قصه نیست. و قصه های قرآن از جمله آیه مورد بحث برخوردار از اغراض هدایتی و تربیتی برای امت اسلام و بشریت است و با توجه به این که یکی از ویژگی های بیان قرآن که مورد پذیرش شیعه و اهل سنت و مورد تأیید روایات تفسیری اهل بیت علیهم السلام است. این است که تأثیر فضای نزول در تفسیر آیات، مستلزم اختصاص آیات به

آن سبب یا شأن و فرهنگ یا زمان و مکان خاص نیست و مفاد این‌گونه آیات عام و فراگیر است. مگر آن‌که قرینه خاصی بر اختصاص وجود داشته باشد. بنابراین آیه مورد بحث هرچند جهت تسلی پیامبر ﷺ نازل گردیده ولی علاوه بر آن بیان سنت الهی است. سنت الهی که گذشته، حال و آینده را در برمی‌گیرد. و بیان این سنت از لفظ نرید در آیه که بیان‌کننده اراده تکوینی الهی است فهمیده می‌شود. روایات اهل بیت علیهم‌السلام هم در واقع گویای همین مطلب است. خواه این آیه بر امام علی علیه‌السلام تطبیق داده شود یا بر دیگر امامان معصوم از اهل بیت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم یا امام صادق علیه‌السلام و یا امام زمان علیه‌السلام و زمان ظهور ایشان، که در واقع مصداق اکمل این آیه است.

حال مطابق تعریف مبنا هر یک از این تفاسیر یک معنا برای آیه شریفه است. زیرا اختلاف در تفسیر به اندازه‌ای نیست که تأثیر اساسی در معنای آیه ایجاد کند. از این رو تحقق حکومت بنی اسرائیل بر مصر و فلسطین و زوال حکومت فرعونیان، که در تفاسیر تابعان و اهل‌تسنن به عنوان تفسیر آیه ۵ قصص بیان شده، تنزیل آیه، و ظهور و پیروزی دین اسلام به دست پیامبر خاتم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و حفظ و گسترش آن به دست امامان معصوم و تحقق کامل آن در سراسر عالم، در حکومت جهانی حضرت مهدی علیه‌السلام که غرض آیه یاد شده است، معنای تأویلی آیه شریفه است.

لذا تابعین و مفسران اهل‌تسنن که بر اساس دیدگاه آنان آیه را درباره فرعون و حضرت موسی و بنی اسرائیل دانسته‌اند در مورد این بعد از معنا غفلت ورزیده‌اند. زیرا آیه به صورت يك قانون کلی و در شکل فعل مضارع و مستمر بیان شده است، تا تصور نشود اختصاص به مستضعفان بنی اسرائیل و حکومت فرعونیان داشته است. چرا که این بشارتی است برای همه انسان‌های آزاده و خواهان حکومت عدل و داد و برچیده شدن بساط ظلم. این‌که ما می‌خواهیم چنین کنیم در واقع در این آیه خداوند پرده از روی اراده و مشیت خود در مورد مستضعفان برداشته یعنی فرعون می‌خواست بنی اسرائیل را تار و مار کند و قدرت و شوکت‌شان را درهم بشکند، اما ما می‌خواستیم آنها قوی و پیروز شوند. او می‌خواست حکومت تا ابد در دست مستکبران باشد اما ما اراده کرده بودیم که حکومت را به مستضعفان بسپاریم و سرانجام چنین شد. و این همان غرض آیه که امیدبخشی و بشارت حکومت پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و یارانش بعد از ظهور اسلام بود، و همه مخاطبان پیامبر این غرض را به نیکی از آیه یاد شده دریافت می‌کردند.



آن چه هم در روایات اهل بیت علیهم السلام آمده اشاره به نمونه "گسترده تر" یعنی ظهور حکومت حق و عدالت در تمام زمین به وسیله حضرت "مهدی علیه السلام" و ائمه علیهم السلام در تفسیر این آیه اشاره به این ظهور بزرگ کرده اند که در ذیل این آیه در سایر تفسیرهای روایی نقل شده است. و این سنخ روایات در تفسیر روایی ما کم نیست اما در همین روایات عبارت «فهذه الآیة جاریة فینا الی یوم القیامة» یا «ذلك تأویل هذه الآیة» آمده که گویای این است که این تفسیر مفهومی نیست که آیه را این چنین معنا کرده باشد بلکه تأویل و تفسیر باطنی آیه به شمار می رود.

بنابراین، این که بعضی مفسرین شیعه آیه را جهت تعزیت و بشارت حکومت امام زمان علیه السلام را به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تفسیر کرده اند یا این که بعضی از آیه یک سنت و قانون کلی برداشت کرده و مصداق اکمل این قانون و سنت را در مورد وعده و اراده قطعی الهی مبنی بر حاکمیت پیشوایان دین، مطابق روایات اهل بیت علیهم السلام در زمان حکومت مهدوی در آخرالزمان تفسیر کرده اند در واقع تفسیر باطنی به شمار می آید نه این که تنزیل و ظاهر این آیه بوده باشد. بدین ترتیب دو تفسیر یاد شده از آیه شریفه بدون هیچ گونه تعارضی قابل جمع است.

### نتیجه گیری

در این مقاله دیدگاه های صحابه و تابعان و مفسران دوره های بعد، از اهل تسنن و شیعه، و نیز روایات اهل بیت علیهم السلام، در خصوص تفسیر آیه ۵ سوره قصص در سه محور بررسی شد. مفسران تابعی و مفسران اهل سنت که بر اساس دیدگاه تابعین، آیه شریفه را درباره فرعون و حضرت موسی و بنی اسرائیل دانسته اند. در مقابل، مفسران شیعه سه بیان در این مورد داشتند. بعضی آیه را درباره بنی اسرائیل مجاز و درباره حضرت حجت علیه السلام حقیقت می دانند. بعضی دیگر ضمن پذیرش معنای آیه درباره بنی اسرائیل به اعتضاد روایات وارده از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت علیهم السلام، آیه را در مورد اهل بیت علیهم السلام نیز صادق می دانند. برخی دیگر از مفسران شیعه از آیه معنا و مفاد کلی استخراج نموده اند. بعد از بررسی و نقد این دیدگاه ها با توجه به معنایی که در خصوص تنزیل یا ظاهر و تأویل یا باطن قرآن بیان شد. به دست آمد تحقق اراده الهی، مبنی بر زوال حکومت فرعون و استقرار حکومت صالحان بنی اسرائیل در مصر که مفاد آیه یاد شده است، به عنوان تنزیل و ظاهر آیه شریفه قابل دفاع است و غرض این آیه که امیدبخشی و بشارت حکومت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و یارانش بعد از ظهور اسلام است، و همه مخاطبان پیامبر این غرض را به نیکی از آیه یاد شده دریافت می کردند، به عنوان تأویل یا باطن آیه پذیرفته

می‌شود. در این تحلیل مقصود از باطن آیه اغراض آیات قصص قرآن است که برای همه مخاطبان قرآن از صدر اسلام تاکنون قابل درک بوده است. از آن جا که از یکسو قرآن بسان خورشید و ماه تا پایان جهان استمرار دارد و از دیگر سو تاکنون حاکمیت بلامنازع پیشوایان دین تاکنون در زمین استقرار نیافته است، این وعده و اراده قطعی الهی مبنی بر حاکمیت پیشوایان دین، مطابق روایات اهل بیت علیهم‌السلام در زمان حکومت مهدوی و در آخرالزمان تحقق خواهد یافت و بدین ترتیب دو تفسیر یاد شده از آیه شریفه بدون هیچ‌گونه تعارضی قابل جمع است.

## منابع

قرآن کریم  
نهج البلاغه

- ابن زکریا، ابوالحسن احمد بن فارس، معجم مقائیس اللغه، محقق / مصحح: عبدالسلام محمد هارون، چاپ اول، قم انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۴۰۴ ق
- ابن عاشور، محمد بن طاهر، التحریر و التنویر، بی جا، بی نا، بی تا
- ابن عطیه، عبدالغالب بن حق، المحرر الوجیز، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۲ ق
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمرو، تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۹ ق
- ابن منظور، ابوالفضل، جمال الدین، محمد بن مکرم، لسان العرب، محقق / مصحح: احمد فارس صاحب الجوائب، چاپ: سوم، بیروت - لبنان، انتشارات دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر، ۱۴۱۴ ق
- اندلسی ابو حیان محمد بن یوسف، البحر المحیط فی التفسیر، تحقیق: صدقی محمد جمیل، بیروت، ناشر: دارالفکر، ۱۴۲۰ ق
- آلوسی، محمود، روح المعانی، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ق
- بابایی، علی اکبر، مکاتب تفسیری، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۱
- بحرانی، سید هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران، بنیاد بعثت، ۱۴۱۶ ق
- بروجرودی، سید محمد ابراهیم، تفسیر جامع، تهران، انتشارات صدر، ۱۳۶۶
- بیضاوی، عبدالله بن عمر، انوار التنزیل و اسرار التأویل، محقق: محمد عبدالرحمن المرعشلی، چاپ اول، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۸ ق
- جوادی آملی، عبدالله، تسنیم تفسیر قرآن کریم، ویراستار: علی اسلامی، چاپ اول، قم، مرکز نشر اسراء، ۱۳۷۸ ش
- جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح، محقق / مصحح احمد عبدالغفور عطار، بیروت، انتشارات دارالعلم الملايين، چاپ اول، ۱۴۱۰ ق
- حسکانی، عبیدالله، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، ۱۴۱۱ ق
- حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین بن احمد، تفسیر اثنی عشری، تهران، میقات، چاپ اول،

۱۳۶۳

- حویزی، عبدعلی بن جمعه، *تفسیر نور الثقلین*، قم، انتشارات اسماعیلیان، ۱۴۱۵ق
- دامغانی، محمدبن حسین، *الوجوه والنظائر فی القرآن*، مصحح: دکتر اکبر بهروز، چاپ دانشگاه تبریز، ۱۳۶۶
- رازی، ابوالفتوح، حسین بن علی، *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*، تحقیق: محمد جعفر یاحقی و محمد مهدی ناصح، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، چاپ اول، ۱۴۰۸ق
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *مفردات الفاظ القرآن*، محقق / مصحح: صفوان عدنان داودی، چاپ اول، لبنان - سوریه، انتشارات دارالعلم - الدار الشامیه، ۱۴۱۲ق
- زمخشری، محمود بن عمر، *کشاف*، چاپ، سوم، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۰۷ق
- سایت بنیاد بین المللی علوم و حیات اسراء [www.esra.ir](http://www.esra.ir)
- سیوطی، جلال‌الدین، *الاتقان فی علوم القرآن*، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۲۱ق
- \_\_\_\_\_، *الدر المثور*، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۵ق
- شریف لاهیجی، محمدبن علی، *تفسیر شریف لاهیجی*، تهران، دفتر نشر داد، ۱۳۷۳
- صدوق، محمدبن علی بن بابویه، *امالی الصدوق*، چاپ پنجم، بیروت، انتشارات اعلمی، ۱۴۰۰ق
- \_\_\_\_\_، *معانی الأخبار*، قم، جامعه مدرسین، چاپ اول، ۱۴۰۳ق
- طباطبایی، محمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، جامعه مدرسین، چاپ پنجم، ۱۴۱۷ق
- طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان*، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۷۲
- طبری، ابوجعفر محمدبن جریر، *جامع البیان*، بیروت، دارالمعرفة، ۱۴۱۲ق
- طریحی، فخرالدین، *مجمع البحرین*، محقق / مصحح سید احمد حسینی، چاپ سوم، تهران، مرتضوی، ۱۴۱۶
- طوسی، محمدبن حسن، *التبیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، داراحیاء التراث العربی، بی تا
- \_\_\_\_\_، *الغیبه*، قم، دارالمعارف الاسلامیه، ۱۴۱۱ق
- طیب حسینی، سید محمود، *نظریه ای نوین در معنای ظاهر و تنزیل قرآن*، فصل نامه پژوهش‌های قرآنی، قم بهار ۱۳۹۵، شماره ۷۸
- فخرالدین رازی، محمد بن عمر، *مفاتیح الغیب*، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق

- فرات، ابن ابراهیم، تفسیر فرات، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، ۱۴۱۰ق
- فیض کاشانی، ملامحسن، الاصفی فی تفسیر القرآن، تحقیق: محمدرضا درایتی و محمدحسین نعمتی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی قم، چاپ اول، ۱۴۱۸ق
- قرشی، سید علی اکبر، احسن الحدیث، تهران، بنیاد بعثت، ۱۳۷۷
- \_\_\_\_\_، قاموس قرآن، تهران، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، چاپ ششم، ۱۴۱۲ق
- قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لاحکام القرآن، قاهره، دارالکتب المصریه، ۱۳۸۴ق
- قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، کنزالدقائق و بحر الغرائب، تحقیق: حسین درگاهی، تهران، وزارت ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۸
- قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، تحقیق محمد صالحی اندیمشکی، قم، ذوی القربی، چاپ اول، ۱۴۲۸ق
- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، قم، دارالحدیث، ۱۴۲۹ق
- گنابادی سلطان محمد، تفسیر بیان السعاده فی مقامات العباد، چاپ دوم، بیروت، انتشارات مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۸ق
- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق
- مفید، الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، قم، کنگره شیخ مفید، چاپ اول، ۱۴۱۳ق
- مکارم شیرازی، ناصر وهمکاران، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ دهم، ۱۳۷۴
- نجفی خمینی، محمدجواد، تفسیر آسان، تهران، انتشارات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۹۸ق

